

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

فرستنده: یک تن از هواداران پورتال

۲۹.۰۷.۰۹

## جنبش مردمی و جناح‌های مختلف حکومت

علیرضا ثقفی خراسانی

جنبش اجتماعی مردم ایران که این روزها مرحله حساسی را می‌گذراند در سی سال اخیر با افت و خیزهای فراوانی روبرو بوده است. این حرکت مردم که نمی‌توان آن را از مبارزات سی سال گذشته جدا کرد، در ابعاد مختلف همان خواسته‌های سی ساله گذشته را دنبال می‌کند. خواسته‌هایی که نه تنها هیچگاه بر آورده نشده بلکه در مبارزات مختلف بخش‌های گوناگون جامعه همواره مطرح شده و به شدیدترین وجه از جانب سرکوب‌گران با آن برخورد شده است.

در برخی مقالات و نوشته‌های تحلیل‌گران چپ در غرب (کسانی که روشنفکران و چپ‌های ایرانی داخل کشور انتظار همراهی و همفکری از آنان را دارند) آنچه که در روزهای پس از انتخابات در ایران رخ داده با عنوان "انقلاب رنگین" خوانده می‌شود و گاه از شکست آن ابراز شادمانی می‌کنند و پیروزی یک جناح را تبریک می‌گویند، شاید به این دلیل که تبلیغات ضدامریکائی دولت ایران تنها چیزهائی است که در مطبوعات و رسانه‌های غربی منتشر و منعکس شده است. در برخی از رسانه‌های غربی با جار و جنجال زیاد روی آن چه که پس از انتخابات در ایران رخ داده مانور داده می‌شود و کسانی که هیچ آشنائی با خواسته‌های مردم ما ندارند به نوعی خود را همراه با آن نشان می‌دهند که گویا برنامه‌ریزان این حرکت هستند. در دوران حاکمیت رسانه‌ها و جار و جنجال‌های تبلیغاتی، این در هم ریختگی و اغتشاش اخبار و مواضع، بسیاری نظرات عوض می‌شود و به نظر می‌رسد این مسأله هدفمند باشد. جالب است که دو طیف فکری مختلف حرکت مردم را مخملین می‌نامند، هر دوی این طیف‌ها تنها ظاهر مسأله را مشاهده می‌کنند و به باور مردم، کسانی که امروز دم از انقلاب مخملین و رنگی می‌زنند و جنبش اجتماعی ما را با آن مقایسه می‌کنند چه از جانب چپ و چه از جانب راست شناخت درستی از این جنبش ندارند.

دلایل و مدارک فراوانی وجود دارد که در سی سال گذشته همواره دولت‌های حاکم در ایران مورد حمایت امریکا و متحدانش و به طور کلی نظام حاکم در غرب بوده‌اند و تا کنون چالش جدی در بین آنان صورت نگرفته است و آنچه شاهدش هستیم (شعارهای مرگ بر امریکا و نابود باد اسرائیل و دیگر شعارهای ضد غربی و یا حملات دولت

امریکا به ایران و...) تنها بازی موش گریه‌ای است که برای منحرف کردن افکار عمومی طراحی شده است و آنچه که تعیین کننده سیاست‌هاست، سودهای کلان اقتصادی است... \*

برای این باور مستندات بسیاری می‌توان ارائه کرد. یک ضرب‌المثل فارسی وجود دارد: "دم خروس را باور کنیم یا قسم حضرت عباس" در طی این سی سال آنقدر دم خروس از قباب روباه بیرون زده که قابل انکار نیست و انکار آن تنها از حکومت‌های سرمایه‌دار غربی و حکومت ایران برمی‌آید. این موش و گربه بازی سود کلانی برای شرکت‌های سرمایه‌داری در بر دارد. زیرا دولت‌های کشورهای سرمایه‌داری بزرگ مانند آمریکا و اروپا و یا روسیه و دیگران، با تبلیغ بر روی مسایلی مثل پرونده سلمان رشدی، حقوق بشر، و یا پرونده هسته‌ای در ایران و فشار آوردن روی دولت می‌توانند قراردادهایی با سودهای افسانه‌ای ببندند و امتیازاتی شبیه قراردادهای ترکمانچای و دوره قاجار را از دولت ایران بگیرند. کما اینکه در این سال‌ها این کار را کرده‌اند.

در این فضا (مخصوصاً با وجود تحریم) بخش بزرگی از معاملات قاچاق انجام شده و می‌شود که سودهای آن را نمی‌توان با سودهای معاملات رسمی مقایسه کرد. (برای هر دو طرف معامله و دلالت این معاملات که معمولاً آقازاده‌ها هستند.) به عنوان مثال ایران سومین وارد کننده سیگار از امریکاست، البته نه به صورت رسمی. و یا خرید سلاح و قطعات مورد نیاز موشک‌ها و هواپیماهای جنگی و... (۱) برای روشن‌تر شدن این مسأله موضوع را از آغاز مرور می‌کنیم.

از ابتداء، روی کار آمدن حکومت اسلامی مورد توافق چهار کشور صنعتی (آمریکا انگلیس فرانسه، آلمان) در کنفرانس گوادلوپ قرار گرفت و در همان زمان بود که انقلاب مردم ایران در توافق میان بنیادگرایان و غرب به مسیری خاص هدایت شده و سازش بزرگ صورت گرفت. (۲) هدف نامه‌های رد و بدل شده در آن زمان میان رهبران مذهبی و غرب و حمایت آشکار محافل غربی از رهبران مذهبی در ایران روشن است. سیاست‌های آن دوران مثل ایجاد کمربند سبز به دور شوروی سابق و ایجاد قطب‌های مذهبی برای شکست اردوگاه شرق و... در مطالب دولتمردان آن زمان به صراحت گفته می‌شد. این مطلب آنقدر آشکار است که کسی را یارای انکار آن نیست و هرکس دستی در اخبار و رسانه‌ها دارد می‌تواند مدارک آنرا به وضوح مشاهده کند.

پس از آن گروگان‌گیری دیپلمات‌های امریکائی بود که بسیار در باره آن صحبت شده است و مطابق با اسناد آن زمان هدف اصلی آن انحراف مبارزات مردم برای استقلال از امریکا و کل نظام سرمایه‌داری جهانی بود. در این راستا پس از سرکوب نیروهای مستقل داخلی، گروگان‌ها به دولت محافظه‌کار ریگان تحویل شد. آقای ریگان در جلوی دوربین‌های پرنور رسانه‌ها اعلام کرد که بهترین هدیه ریاست جمهوری را از رهبری ایران دریافت کرده‌است. در این زمان اسارت‌بارترین قراردادها (قرارداد الجزایر که نخست وزیر وقت و معاون او در بستن این قرارداد مشارکت داشتند) برای تحویل این گروگان‌ها از جانب بنیادگرایان مورد قبول قرار گرفت که حتی رئیس‌جمهور وقت (بنی‌صدر) در مخالفت با بنیادگرایان، آن را قرارداد وثوق‌الدوله نامید.

پس از آن جریان ایران کنتررا و مسافرت‌های محرمانه مک فارلین معاون ریاست جمهوری آمریکا به ایران پیش آمد که گزارش‌های آن به تفصیل در شرح کمیسیون تاور آمده است و نتیجه آن افشای رابطه پنهانی فروش اسلحه از طریق منابع غیررسمی به دولت ایران به مدت ۵ سال بود. درآمد حاصل از این معاملات به حساب نیروهای سرکوبگر در آمریکای لاتین و اریز شد. کم‌کم روشن شد که ایالات متحده حداقل ۲۰۰۸ موشک تاو و ۲۳۵ موشک هاوک به ایران فروخته است. همچنین مشخص شد قسمت اعظم محموله‌های ایالات متحده را اسرائیل فراهم کرده است. (۳)

پس از آن ماجرای سال ۶۷ (۱۹۸۸) یعنی قتل عام زندانیان سیاسی در سکوت کامل امریکا و غرب صورت گرفت و در آن زمان یک پرونده رسمی در مجامع بین‌المللی برای این نسل‌کشی تشکیل نشد در حالی که در همان زمان دولت لیبی برای سرنگون کردن یک هواپیما با ۲۰۰ مسافر به دادگاه‌های بین‌المللی کشیده می‌شود مگر جان انسان با انسان فرق دارد؟ تنها فرق آن می‌تواند این مسأله باشد که قتل عام شدگان سال ۱۹۸۸ در ایران از نظر سیاسی مخالف سلطه امریکا و غرب بوده‌اند. پس ارزش مطرح کردن ندارند!! (۴)

بعد از قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۹۸۸ حکومت ایران جایزه‌اش را با سرازیر شدن وام‌های مختلف دریافت کرد و بر طبق آمار رسمی در ظرف سه سال نزدیک به ۵۰ میلیارد دلار از منابع مختلف غربی وام دریافت کرد و به اصطلاح دوران سازندگی را گذراند. این وام‌ها به دولت ایران اجازه داد تا مخالفان خود را در اقصی نقاط جهان به قتل برساند که نمونه‌های آن را در میکونوس و موارد دیگر که به گفته منابع مستقل بیش از ۲۰۰ مورد در خارج از کشور بوده است مشاهده کردیم.

قتل دکتر قاسملو، بختیار، کاظم رجوی، فرخزاد و صدها قتل داخلی نظیر فروهرها، مختاری و پوینده‌ها در زیر چشم به هم زده و خوابزده غربی‌ها صورت گرفت. جالب است بدانیم که در هر یک از این دوران‌ها یکی از جناح‌های درگیر امروزی قدرت برتر بودند.

پس از افشای این اعمال غرب به حمایت از اصلاح‌طلبان و اصلاحات سیاسی در ایران روی آورد و با دولت اصلاحات وارد معامله شد قراردادهای کلانی مانند توتال، رویال داچ شل در حوزه‌های نفت و گاز در این دوره بسته شد و امتیازات بزرگی همانند کرسنت، ایرانسل و غیره به شرکت‌های بزرگ بین‌المللی واگذار شد و شرکت‌های بزرگی همانند هالبرتون (متعلق به دیک چینی و کاندولیزاریس) در ایران فعال شدند. در این دوره ظاهراً اصلاح‌طلبی، درحقیقت پشت پرده، نهادهای سرکوب بازسازی شد که امروز نتایج آن را می‌بینیم. سکوت همان غربی‌ها در سرکوب ۱۸ تیر ۸۷ و سکوت در برابر انواع شکنجه و تجاوز به دستگیرشدگان - زیرا در آن زمان امریکا هم از همین روش‌ها در گوانتانامو و دیگر جاها استفاده می‌کرد. و ضمناً با دولت اصلاحات به بده بستان‌های مختلف در عراق و افغانستان و خاورمیانه و شبه‌جزیره بالکان مشغول بود - انطباق روش‌های غرب با روش‌های حکومت ایران در این دوره بیانگر نبودن اختلاف جدی میان آنهاست.

درباره این همکاری‌ها به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- همکاری امریکا و ایران در شبه‌جزیره بالکان و تکه پاره کردن یوگسلاوی سابق یکی از درخشان‌ترین همکاری‌ها میان بنیادگرائی اسلامی و سیاست‌های توسعه‌طلبانه غرب است. در این زمینه همکاری‌های دوطرف در چند پاره کردن یوگسلاوی سابق و قراردادهای دوجانبه هم‌زمان با اوج قتل مخالفان حکومت ایران در سراسر جهان بود.

با شروع جنگ در یوگسلاوی سابق محمد رضا نقدی در رأس گردانی از پاسداران سپاه قدس به بوسنی و هرزگوین اعزام شد و تا پایان بحران در آن منطقه یکی از سه فرمانده ارشد نظامی سپاه پاسداران در بوسنی بود. در همین زمان امریکا و ناتو یک پوشش هوایی برای خنثی کردن نیروی هوایی یوگسلاوی برقرار کرده بودند تا نیروهای مجاهدین و کمک‌های ایران به بوسنی برسد.

رسیم **دلیچ** در جریان جنگ‌های بالکان فرماندهی داوطلبان اعزامی از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بوسنی هرزگوین را نیز بر عهده داشت. داوطلبان ایرانی که از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به بوسنی اعزام شده بودند، تحت فرماندهی همین نظامی مسلمان بوسنیایی عمل می‌کردند. اگر چه فرماندهی پایگاه به عهده افسران سپاه

پاسداران بود، ولیکن داوطلبان ایرانی در چارچوب بریگاد المجاهد عمل می کردند. این بریگاد در سال ۱۹۹۳ میلادی بیش از ۲ هزار داوطلب خارجی را در بر می گرفت و به گفته علی احمد، مجاهد افغانی که در حال حاضر در زندان زینتسا به سر می برد، از جمله مسؤل قتل ۲۴ غیرنظامی کروات در روستای دلیچ است. در سال ۱۹۹۳ میلادی همین بریگاد در اوراساچ دهها زندانی صربتبار را نیز به قتل رسانید و سرهای آنها را بعد از مرگ از بدن جدا کرد و در خیابان های این روستا به نمایش گذاشت.

رسیم دلیچ، ژنرال ۵۶ ساله ارتش جمهوری بوسنی هرزگوین متهم به جنایات جنگی، پاکسازی قومی، و نسل کشی شده است. وی در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ میلادی، بین سالهای ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ فرماندهی سپاه المجاهد را بر عهده داشت. از جمله اتهاماتی که ژنرال دلیچ باید در لاهه به آنها پاسخ گوید تجاوز به دهها زن و دختر صرب و کروات از سوی داوطلبان خارجی که تحت فرماندهی او عمل می کردند، است. رسیم دلیچ در سال های اخیر با چند شرکت صادرات و واردات که توسط خاریس زیلاسیچ، مسؤل سابق سازمان امنیت بوسنی پایه گذاری شده اند و عمدتاً با جمهوری اسلامی دارای روابط بازرگانی هستند، همکاری داشت.

#### ۱- همکاری ایران و آمریکا در روی کار آوردن حکومت کرزی در افغانستان

کنفرانس المان برای افغانستان پس از طالبان آغازی برای هماهنگی میان ایران و غرب درباره افغانستان پس از طالبان بود. این همکاری در تمام دوران حاکمیت شوروی سابق ادامه داشت و ایران همگام با غرب در تقویت و تسلیح مجاهدین افغان مشارکت فعال داشت. کمک های اطلاعاتی و تسلیحاتی ایران به مجاهدین افغان و آموزش های نظامی به آنان در طول دوران مبارزاتشان آنقدر متنوع و فراوان است که نیازی به ذکر تک تک آنها نیست.

همکاری دو طرف در مورد افغانستان در شرایط کنونی با شرکت نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس افغانستان در لاهه ادامه یافته است. در کنار خبرهایی چون احتمال همکاری جمهوری اسلامی با ناتو و یا خبرهایی که اخیراً در زمینه مذاکرات رژیم اسلامی با نمایندگان شرکت های خصوصی المانی در رابطه با استفاده از خاک ایران به منظور ارسال تجهیزات و ادوات غیرنظامی برای نیروهای المانی مستقر در افغانستان انتشار یافته، همچنین پیام اوباما به عنوان نمونه هایی از چرخش در شکل پیشروی سیاست آمریکا در قبال ایران قابل ذکر است.

(۵)

در ماه مارس خبری دهان به دهان می شد. به موجب این خبر دولت با ناتو و آمریکا یک قرارداد محرمانه امضاء کرده که به موجب آن محموله های نظامی آنها از طریق خاک ایران به داخل افغانستان منتقل می شود. این قرار داد بدون اطلاع نمایندگان مجلس بسته شده و یگانه کسی که در جریان جزئیات آن قرار داشته منشی مخصوص رهبر، بوده است. از جمع نمایندگان مجلس نیز یگانه کسی که در جریان این قرارداد بوده رئیس کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس بوده است. روزنامه ساندی تایمز چاپ لندن در شماره یکشنبه ۲۹ مارس ۱۹۰۹ (نهم فروردین) نوشته است که ایران و آمریکا اولین دور مذاکرات خود را در خصوص پایان جنگ در افغانستان برگزار کرده اند.

این روزنامه می نویسد دیپلمات های ایرانی و آمریکائی ۲۷ مارس در مسکو در کنار یک دیپلمات بریتانیائی، که نقش واسطه را میان آنها ایفا میکرد، و به ابتکار دولت روسیه، به گفتگو نشستند. پتریک مون رئیس بخش آسیای مرکزی و جنوبی وزارت امور خارجه آمریکا و معاون وزیر امور خارجه ایران، در این مذاکرات شرکت داشتند. پس از اعتراض برخی نمایندگان مجلس به بی خبری مجلس از قراردادهای مهمی مانند این قرارداد، از طرف اعضای کمیسیون امنیت و سیاست خارجی گفته شد که چون پاکستان گرفتار اوضاع نامساعد سیاسی شده، آمریکائی

ها برای عبور محموله‌های نظامی خود به افغانستان از طریق ایران امتیازهای مهمی به ایران دادند، اما هیچکس نگفت این امتیازها کدام بوده و به چه مقامی و در چه مذاکره ای داده شده است.

۳- همکاری ایران و آمریکا در روی کار آوردن حکومت اسلامی در عراق بر طبق نظرسنجی‌های پس از اشغال، مردم عراق خواهان یک حکومت سکولار بودند. این نظرسنجی‌ها به وسیله مراکز معتبری همچون دانشگاه آکسفورد مورد تأیید قرار گرفت. (۶) اما مذاکرات و توافق‌های ایران با آمریکا به روی کار آمدن دولت نوری‌المالکی منجر شد و نیروهای سکولار از حکومت کنار گذارده شدند.

ایران و آمریکا در باره ی عراق سه دوره مذاکره داشتند که در هر دوره آن مقامات بلند پایه نظامی و امنیتی دو طرف مشارکت داشتند. یکی از این مذاکرات در هفتم خرداد ۸۶ برگزار شده است که آسوشیئدپرس در ۲۷ اردیبهشت ۸۶ این خبر را به نقل از وزیر امور خارجه ایران در پاکستان اعلام کرد.

هر چند هر دو طرف در رسانه‌های عمومی یکدیگر را به کارشکنی در امنیت عراق متهم می‌کردند. اما همکاری دو طرف باعث روی کار آمدن وثبات دولت فعلی در عراق شد که همگان می‌دانند از دوستان نزدیک دولت ایران هستند و اغلب اعضای دولت فعلی کسانی بوده‌اند که سال‌ها در ایران زندگی کرده‌اند و هیچ دولتی در منطقه به اندازه ایران در عراق صاحب نفوذ نیست.

۴- در سه دهه اخیر ایران و آمریکا با همراهی نظام جهانی سرمایه‌داری در سه مورد فوق برای روی کار آوردن حکومت‌های مذهبی همکاری نزدیکی داشته‌اند و در هر یک از موارد اگر همکاری غرب و ایران نبود روی کار آوردن این حکومت‌های مذهبی امکان‌پذیر نبوده و در نتیجه نگهداری این کشورها برای گسترش سرمایه‌های بین‌المللی و آرامش برای آمادگی آنان جهت سرمایه‌گذاری فراهم نمی‌شد. اما در همین دوران منافع اقتصادی در معامله با خود ایران فراموش نشده است.

در مورد معاملات اقتصادی کلان در طی این سال‌های اخیر علاوه بر خرید تسلیحات از منابع دست اول و دوم می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

● خبرگزاری فارس به نقل از مجیک سیتی گزارش داده است: شرکت نفتی هالیبرتون آمریکا علی‌رغم تحریم اقتصادی علیه ایران، ۴۰ میلیون دلار تجهیزات نفتی به این کشور فروخته است. پس از تصویب قانون تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران، شرکت هالیبرتون برای این که بتواند در کشورهای تحت تحریم سرمایه‌گذاری کند، اقدام به تأسیس شعبه‌های خارجی کرد، چرا که قانون تحریم اقتصادی، سرمایه‌گذاری شعبه‌های خارجی شرکت‌های آمریکائی را در کشورهای تحت تحریم منع نمی‌کند. ویلیام تامسون، بازرس نیویورک، شرکت هالیبرتون را به خاطر فعالیت در ایران مورد بازجویی قرار داد. ولی مسوولان شرکت هالیبرتون معتقدند، فعالیت‌های این شرکت در ایران منع قانونی نداشته است.

نایب رئیس هیات مدیره و مدیر عامل شرکت اورینتال کیش و دیک چنی معاون رئیس جمهور آمریکا، دو نفر اصلی زمینه‌ساز قرارداد هالیبرتون- اورینتال در ایران بودند. سفر چنی به ایران در سال ۷۹ که برای آماده سازی قرارداد‌های نفت و گاز در ایران صورت گرفت، تا مدت‌ها محرمانه باقی ماند. اما اصل ماجرا از این جا شروع می‌شود که برنده شدن شرکت هالیبرتون در مناقصه حفاری پارس جنوبی به سال ۸۱ (۲۰۰۲) باز می‌گردد. قرارداد با ارزشی که برابر آن، این شرکت متعهد به حفر ۱۲ حلقه چاه در فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی گردید و قرار شد تا پایان سال ۸۵ و در مدت ۵۲ ماه، در دو بخش خاکی و دریائی، ایران به گاز دست یافته و ۵۰ میلیون مترمکعب گاز طبیعی و بیش از ۴۰۰ تن سولفور از آن استحصال نماید.

در این قرارداد البته هالیبرتون تنها نبود بلکه کنسرسیوم هالیبرتون-اورینتال، مشترکاً برنده مناقصه شده بودند. ماجرا از اینجا جالبتر می شد که هالیبرتون برای حفر هر چاه مبلغ ۲۳ میلیون دلار پیشنهاد داده و جمعاً خواستار دریافت ۲۸۲ میلیون دلار شده بود اما دولت وقت ایران که به عنوان کارفرما می بایست کمترین مبلغ پیشنهادی را بپذیرد، در قرارداد منعقد شده مبلغ ۳۶۰ میلیون دلار (۸۰ میلیون بیشتر از پیشنهاد شرکت امریکائی) به کنسرسیوم هالیبرتون-اورینتال بخشید! (۷)

● قرارداد مونتاز ۵۵۰۰۰ اتومبیل کرایسلر در زمانی که این شرکت در آستانه ورشکستی است. در اخبار آمده است که: چندین معاون سپاه پاسداران با همراهی و همکاری چند دلال بین‌المللی در دوی برای مذاکره جهت همکاری با شرکت بحران زده "کرایسلر" امریکا که در حال ورشکستگی است به دوی آمده بودند. به همین دلیل فرودگاه و شهر دوی را برای ایرانی ها امنیتی کرده بودند. تا آنجا که اطلاع حاصل شده هیأت نظامی ایران توانست با "کرایسلر" امریکا به توافق اولیه برای خرید موتورهای شرکت کرایسلر دست یابد و این بزرگترین یاری ممکن در شرایط کنونی به کرایسلر در حال ورشکستگی امریکا بود.

در این مذاکرات فرماندهان و کارشناسان اقتصادی سپاه تحت عنوان شرکت سایپا موافقت خود را با خرید ۵۵۰۰۰ اتومبیل کرایسلر جهت مونتاز در ایران اعلام داشتند. واسطه های غیرایرانی این معامله چند دلال کویتی و اماراتی هستند. این هیأت تحت پوشش همراهی با تیم فوتبال ایران به دوی سفر کرده بودند. گفته می‌شود؛ مدیرعامل سایپا که به دستور رئیس جمهور به این سمت گمارده شد نیز در هیأت مذاکره کننده با کرایسلر امریکا حضور داشته است.

پیش از این هم وزیر صنایع و معادن در حاشیه ششمین نمایشگاه بین‌المللی صنعت خودرو در تهران، با اعلام امضای قرارداد تولید بنز در ایران گفت: بنز ۳۲۰ و ۲۴۰ از سال بعد به بازار عرضه خواهد شد، اما تولید آن بسیار محدود خواهد بود. که البته باز مثل همیشه در ابتدای افشای این اخبار، همه آنها تکذیب شد!؟

صحبت از این قراردادها در زمانی است که آقای بوش در ۱۲ دسامبر پذیرفت که وامی به میزان ۴,۱۳ میلیارد دلار از محل طرح نجات سیستم بانکی به جنرال موتورز و کرایسلر بدهد. اینکار به این شرکت ها اجازه ادامه بقاء می‌داد. این مذاکرات و معامله که عملاً کمک به کرایسلر امریکا برای بیرون آمدن از بحران تولید است، با آن شعارهایی که فرماندهان سپاه و رئیس جمهور در باره به زمین گرم خوردن امریکا و ابراز خوشحالی از بحران و فروپاشی امریکا خطاب به مردم می گویند در مغایرت کامل قرار دارد. (۸)

● بر طبق گزارش وال استریت ژورنال: «از آغاز ماه جون امسال، ایران بیش از یک میلیون تن گندم از ایالات متحده آمریکا خریداری کرده که در نوع خود رقم بسیار بالائی محسوب می‌شود. این میزان گندم سه تا چهار درصد صادرات سالانه گندم آمریکا است، ضمناً آمار وزارت کشاورزی آمریکا نشان می دهد که آخرین خرید گندم ایران از آمریکا به سال ۱۹۸۲-۱۹۸۱ باز می گردد که در آن زمان ۷۲۸ هزار تن گندم به ایران صادر شد.

● فروش دستگاه های تولید پارازیت و فیلترینگ به دولت ایران توسط کشورهایی که در ظاهر دم از دموکراسی می زنند و برای قربانیان ایرانی در این روزها سینه چاک می کنند. مسأله فیلترینگ سایتها و تجهیزاتی که جمهوری اسلامی از امریکا و انگلیس خریده و اسرائیل نیز دستی در آن داشته، در يك میزگرد مطبوعاتی در تهران بررسی شد. در این میزگرد، مدیرعامل شرکت دیتای مخابرات" گفت: در سالهای گذشته شرکت مخابرات بیش از ۷ میلیارد تومان برای اجرای فیلترینگ هزینه کرده است. همچنین، دبیر انجمن صنفی کارفرمایان شبکه‌های اینترنتی، در باره خریدار این نرم‌افزارها گفت: نرم‌افزار و سخت‌افزار امریکائی مورد استفاده برای فیلترینگ در شرکت

مخابرات ایران، با برگزاری يك مناقصه داخلی که شرکت عصر دانش افزار به عنوان برنده آن اعلام شد، از يك شرکت انگلیسی خریداری شده است. (۹)

• در اوایل اردیبهشت ماه شرکت کارگزاری وال استریت که برای یکی از صندوق‌های بازنشستگی آمریکا کار می‌کند در نامه ارسالی خود به وزارت اقتصاد همچنین تقاضا کرده است حدود مالکیت و دیگر قوانین پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی در بورس تهران به آنها اعلام شود. (۱۰)

• دو غول بانکداری آمریکا؛ سیتی‌بانک و گلدمن‌ساش هم خواهان حضور در ایران شده بودند. سیتی‌بانک متعلق به سیتی‌گروپ دومین بانک بزرگ آمریکاست که ۵ درصد سهام آن متعلق به یک شاهزاده سعودی است و ظاهراً وی نیز واسطه مذاکره این بانک با بانک مرکزی شده است. گلدمن‌ساش نیز یکی از غول‌های وال‌استریت در زمینه سرمایه‌گذاری است و رابرت زولیک، رئیس فعلی بانک جهانی قبلاً رئیس این مؤسسه بوده است.

• چندی پیش نیز تماس ایران با سازمان پیمان اتلانتیک شمالی - ناتو - پس از سی سال مجدداً برقرار شد و نمایندگان دو طرف در خصوص قاچاق مواد مخدر و مشکل پناهندگان افغان مذاکره کردند. باراک اوباما در ستراتیژی جدید خود برای بازگرداندن ثبات به افغانستان پیشنهاد تشکیل یک گروه تماس منطقه‌ئی را ارائه کرده است که شامل ایران نیز می‌شود. به نوشته ساندی تایمز، هدف نهائی اوباما استفاده از این مذاکرات برای متقاعد کردن ایران به گفت‌وگو برای پایان دادن برنامه تحقیقات اتمی آن کشور است.

در ماجرای ایران کنترا به خرید اسلحه از اسرائیل اشاره شد. رابطه‌ی اقتصادی ایران با اسرائیل یا اسرائیل با ایران تنها به این گونه معاملات پنهان محدود نشده است. برای روشن شدن مطلب به موارد زیر نیز اشاره می‌کنیم:

- شرکت نستله یکی از شرکتهائی است که اسناد ارتباط آن با اسرائیل و محافل صهیونیستی توسط برخی جناح‌های حاکمیت افشاء شده است. شرکت نستله در ۱۰۰ کشور جهان ۳۵۰ شعبه دارد که ایران نیز از آن جمله است و به دلیل ارتباط وسیع اقتصادی با اسرائیل، در نقاط مختلف جهان این شرکت توسط گروه‌های مختلف، تحریم شده است. محصولات تولیدی شرکت نستله در ایران عبارتند: ۱- غذای کودک سرلاک ۲- آب معدنی آناهیتا تحت پوشش شرکت آناهیتا پلور

محصولات وارداتی شرکت نستله در ایران: ۱- قهوه فوری نسکافه ۲- شیرخشک کافی میت ۳- پودر گوشت مگی ۴- شیرخشک نان ۵- انواع شکلات از قبیل کیت کت و اسمارتیز ۶- غذای حیوانات خانگی فریسیکی (واردات توسط شرکت پارس پوران). (۱۱)

ادامه دارد

پاورقی ها:

\* به گزارش بخش اخبار شرکت بازرگانی بین المللی آزاد (فیت)، به نقل از روابط عمومی گمرک ایران در ۱۵ دی ۱۳۸۷ و براساس گزارش‌های دفتر آمار و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات گمرک، طی ۹ ماهه سال جاری صادرات ایالات متحده آمریکا به ایران با ۲۲۲.۳۸ درصد رشد نسبت به مدت مشابه سال قبل به ۴۱۳ میلیون و ۱۱۶ هزار دلار افزایش یافته و این کشور از این نظر در رتبه هجدهم قرار دارد. سهم ایالات متحده آمریکا از کل واردات کشورمان در مدت یاد شده ۰.۹۷ درصد بود. در حالی که کشور انگلستان به لحاظ واردات در رتبه ششم و پس از سوئیس و جمهوری کره جای گرفته است. انگلستان در ۹ ماهه سال جاری به میزان یک میلیارد و ۵۷۸ میلیون و ۸۱۰ هزار دلار انواع کالا به ایران صادر کرد و ۳.۷۱ درصد از کل ارزش واردات کشورمان را به خود اختصاص داد. سهم چین از واردات کشورمان سه میلیارد و ۷۶۵ میلیون و ۹۸۳ هزار دلار به میزان ۸.۸۶ درصد و از کل صادرات یک میلیارد و ۴۹۲ میلیون و ۹۰ هزار دلار بود. آمارها حاکی از افزایش ۰۳/۶۵ درصدی صادرات ایران به چین در مدت یاد شده است در حالیکه واردات ایران از چین ۲۶.۴۷ درصد رشد یافته است. آلمان با اختصاص ۹.۷۶ درصد از ارزش کل واردات از این حیث در رتبه دوم قرار دارد اما از نظر صادرات با ۱.۵۸ درصد رتبه نوزدهم را به خود اختصاص داده است. سهم آلمان از واردات کشورمان چهار میلیارد و

۱۴۷ میلیون و ۷۷۸ هزار دلار و از صادرات ۲۲۰ میلیون و ۸۳۶ هزار دلار بود. در مدت یاد شده واردات ایران از آلمان ۵.۳۶ درصد افزایش داشته و این در حالی است که صادرات ایران به آلمان ۱۷.۷۰ درصد کاهش داشته است. امارات متحده عربی در ۹ ماهه امسال با اختصاص ۲۵.۱۰ درصد از واردات و ۱۲.۸۲ درصد صادرات بزرگترین شریک تجاری کشورمان بود. سهم این کشور از صادرات کشورمان در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۶.۱۰ درصد و به لحاظ واردات ۴۰.۹۴ درصد افزایش یافته است. براساس گزارش‌های دفتر آمار و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات گمرک با اینکه کشورهای آلمان، سوئیس، انگلستان، فرانسه و ایتالیا از نظر حجم واردات به ایران در میان ده کشور عمده قرار دارند اما از نظر صادرات کشورهای یاد شده در بین ده کشور عمده جایگاهی ندارند و تنها کشور بلژیک با اختصاص رتبه یازدهم نخستین کشور اروپایی محسوب می‌گردد که بیشترین میزان صادرات را به کشورمان داشته است.

۱- هراز چندگاهی اخبار این معاملات به رسانه‌ها درز می‌کند هر چند اول هر دو طرف آن را تکذیب می‌کنند اما بعد از مدتی ثابت شده است. در یکی از آخرین این گونه خبرها گفته می‌شود که در ژانویه ۲۰۰۷، حدود ۲۰۰ میلیون دلار از قطعات حساس، موشک‌های AIM-54C و رادارهای موجود در انبار نیروی دریایی ایالات متحده، از طریق قاچاقچیان بازار سیاه اسلحه، توسط ایران خریداری شده است که پرونده آن در دادگاه‌های آمریکا مفتوح است. تا کنون و در طی سال‌های گذشته ده‌ها نفر به اتهام نقض قوانین تحریم ایران و انتقال غیر قانونی تجهیزات نظامی به ایران تحت پیگرد قرار گرفته و یا محکوم شده‌اند.

۲- کنفرانس گوادلوپ در ۱۴ دی ماه ۱۳۵۷ تشکیل شد و پس از آن تماس با مقامات مذهبی ایران آغاز شد (روزنامه اطلاعات ۱۶ دیماه ۱۳۵۷)

۳- دو دلال خصوصی اسلحه در این میان نقش داشتند: یک فرد سعودی به نام عدنان خاشوقچی و یک ایرانی به نام منوچهر قربانی فر که بعضی او را مشاور نخست وزیر ایران می‌دانند. علاوه بر این یک دلال سلاح اسرائیلی، به نام ال شویمر، نیز توسط لدین و به سفارش دیوید کیمچ به مک فارلین معرفی شد. در نهایت لدین در اواخر جولای با کیمچ، قربانی‌فر و شویمر و اسرائیلی دیگری به نام یاکوف نیمرودی (رابط نظامی پیشین اسرائیل و ایران) در اسرائیل ملاقات کرد. در نهایت این امر سبب شد برای برقراری رابطه با ایران در سازمان امنیت ملی طرحی تازه ریخته شود و ایالات متحده به منظور صیانت گروگان‌های خود، موشک ضد تانک تاو و موشک ضد هوایی هاوک را به ایران بفروشد.

در ۳۰ اگوست اسرائیل احساس کرد از طرف سازمان امنیت ملی اجازه یافته است که ۵۰۰ موشک تاو خود را به ایران بفروشد و ایالات متحده این تعداد را جایگزین خواهد کرد. ۱۰۰ عدد از این موشک‌ها در ۳۰ اگوست ۱۹۸۵ به ایران تحویل داده شد و ۴۰۰ موشک باقی مانده در ۱۴ سپتامبر به دست ایران رسید. این معامله باعث شد یکی از گروگان‌های آمریکایی به نام بنیامین ویر در ۱۴ سپتامبر آزاد شود. (خبرگزاری فارس، ویژه‌نامه دفاع مقدس)

۴- در این رابطه پس از سروصدای بسیار محافل مستقل، دولت ایران از نماینده‌ی حقوق بشر سازمان ملل آقای گالیندویل، برای بازدید از زندان‌های ایران دعوت کرد. که البته معلوم نشد گزارش ایشان به چه کار آمد و بیشتر به نظر می‌رسید این سفر برای ماست ملی کردن قضیه و انحراف افکار عمومی و گشودن راه پرداخت وام‌ها به ایران بود.

۵- روزنامه‌ی آلمانی "کلنر اشتات آنتسایگر" به نقل از محافل دیپلماتیک در پاکستان

۶- دکترین شوک نامی کلین بخش ۷ ص ۴۲۱ یازده ماه پس از سقوط صدام بر طبق نظر سنجی دامشگاه آکسفورد تنها ۲۱ درصد از عراقی‌ها خواهان حکومت مذہبی بودند

۷- راه آینده، شماره ۵، نگاهی به سرمایه‌گذاری در صنایع نفت و گاز، علیرضا تقوی

۸- "یکی از پرونده‌های اصلی آقای باراک اوباما، قلب صنعت اتومبیل آمریکا از حرکت باز می‌ایستد"، نوشته Laurent CARROUE، لوموند دیپلوماتیک - [www.piknet.com](http://www.piknet.com)

۹- مشاورین شبکه افق اندیشه غرب

<http://dibanetwork.net> -

<http://dibanetwork.net/mods.php?id=Content&pid=8>

۱۰- نقل از وطن امروز

۱۱- آقای پیتر برایک نماینده وقت شرکت نستله جایزه جوئیلی را در سال ۱۹۹۸ از بنیامین ناتان یاهو دریافت نمود اسم وی در لیست منتشر شده توسط [virtual Israel web site](http://www.virtualisraelweb.com) در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۸ در بخش صنایع غذایی دیده می‌شود که

صحت این لیست توسط کمیسیون حقوق بشر اسلامی به تأیید رسیده است (توضیح: جایزه جوئیلی جایزه ای است که اسرائیل به اشخاص یا سازمانهایی که منظور توسعه اقتصادی این رژیم در خاک فلسطین اشغالی سرمایه‌گذاری می‌کنند پرداخت می‌کند که سهم نستله از این جایزه: ۲۴٪ از ۶/۵ میلیون دلار کمکها ی اسرائیل به شرکتهای حامی اقتصادی این رژیم در سال می باشد<sup>۱</sup>)

۲. به گزارش رویتر پخش شده در ساعت ۱۲:۱۷ دقیقه بعد از ظهر روز ۲۴ دسامبر سال ۲۰۰۰ از برنامه اخبار تلویزیون تلاویوگزارش روزنامه معاریو در یکشنبه همان هفته شرکت نستله مرکز تحقیق و توسعه خود را در شهرک سدیروت در



شمال غزه که ۲۳۰۰۰ صهیونیست در آن ساکن هستند را افتتاح نموده است و دیگر اینکه ساختمان اصلی شرکت نستله در همین شهرک قرار دارد  
۳. شرکت نستله در سال ۲۰۰۲ سهام خود در ( osem Investment شرکت تولید محصولات غذایی در اسرائیل) را از ۱۰% به ۵۰% افزایش داد و مشمول معافیت مالیاتی این رژیم شد.  
<http://www.arabia.com/Qatar/business/article/English/0,5508,36207,00.html>